

## مسألة جوانان

روحیه جوانان را بشناسید و بادرک مشکلات

واقعی جوانان آنان را دریابید

دیری نمی باید که یکی از مریبان شفته و معلمان دلباخته که بایکدنیا سوزو گداز در کار تعلیم و تربیت نو باوگان و جوانان می کوشد تا فروغ خود را بر دل و جان آنان بپاشد و وظیفه سنگین خویش را در دنیای پر شرر امروزی دریای آنها بیفشاند از وضع نابسامان نو جوانان و فساد و عصیان دانش آموزان و بیعلاقگی اولیاء خانوادگی و فرهنگی درد دلها میگرد و از مشکلات و موانع و شکست های خود در این راه داستانها میگفت و شکوه ها می نمود کار او جنبه فنی داشت و اشکالاتش اساسی و منطقی مینمود. او مدعی بود وضع جوانان در این مملکت با اوضاعی که در فرهنگ ما میگذرد و بی اعتنائی و خونسردی که اولیای جوانان نسبت بآنان ابراز میدارند حیات ملی و موجودیت مملکت را تهدید بزوال و نیستی میکند و با تجاربی که در این زمینه اندوخته بود امیدهایش مبدل بیأس گردید و . . . . .

او میخواست تادیر راه حل این مشکل اجتماعی بزرگ چاره

جوئی شود و از طرق مقتضی در جلوگیری و درمان نابسامانی جوانان اندیشه بیشتر بعمل آید . از آنجا که این امر يك مشکل جهانی است و ملت‌های باصطلاح پیشرو در این اضطراب و نگرانی دست کم از ملت‌های عقب افتاده ندارند . جادارد که صاحب‌نظران اجتماعی مسئله جوانان را با تعمق و دلسوزی بیشتری امر جدی و حیاتی تلقی کنند و در مطالعه خود از خصوصیات روح جوانی و مشکلات کنونی جوانان هیچ نکته‌ای را از نظر دور ندارند باشد که راه حلی برای مشکل جوانان بدست آید که قابل عمل و مؤثر ثمر باشد هدف مادر این مقال توجه بهمین امر حیاتی است .

ارزش واقعی جوانان : ثروت و قدرت واقعی مملکت در دست و مغز جوانان است . هنگامی که همه گونه مواد اولیه برایگان در اختیار مملکت قرار گیرد شور و نشاط جوانی می‌خواهد که با نیروی تحرك و جنب و جوش و فعالیت مغزی و بدنی خود بتواند از آنها در زندگی استفاده کند سادگی و بی‌آلایشی جوانان آنان را برای پذیرفتن هر نوع تحول اخلاقی صحیح آماده میکند و صفای فطری و میل بحقیقت که از امتیازات جوانان است کلید رفم‌های اصلاحی هر جامعه را بدست می‌دهد . جوانان بموازات قدرت و تلاش عملی قادراند سریع بیندیشند ؛ زود تصمیم بگیرند ، و باقلبی آکنده از احساسات پاك در برابر معایب خویش و تند رویهائی که بآنها گوشزد میشود اعتراف کنند و اصلاح پذیرند .

بقول یکی از فضلالی این مملکت « جوانان نه مال از خود دارند و نه مقامی و نه نامی و نه معلومات کافی و نه تجربیات ، هیچ چیز ندارند

ولی میخواهند و عقیده دارند که باید صاحب همه چیز بشوند. یک چیز دارند که تنها سرمایه آنها میباشد: آرزو، آرزو که آمد و توأم با امید بودبد نباشد حرکت میآید؛ حرکت فکری و بدنی، حرکت در جهت مطلوب و فرمان کشش آرزو یعنی کار، کار نیز تولید کننده و فراهم کننده هر چیز است. . . . تا آنجا که میگوید بطور کلی جوانی و آرزو و فعالیت و نشاط چهار رکن توأم با هم راه و همکار با یکدیگرند. بطور دقیق هر نوع پیشرفتی در جامعه نیازمند باین چند عامل است و باین وسایل و بی حرکتی و خمودی هیچ کاری پیش نمیرود، پس با این مقدمه بما حق میدهد که بگوئیم امید و آرزوی ترقی و تحول و هر نوع رفرم اصلاحی هم بوجود جوانان بسته است و از اینجاست که امام ششم شیعیان حضرت صادق علیه السلام میفرماید: «علیکم بالاحداث فانهم اسرع الی کل خیر» (۱) هر پیشنهاد نیکی را از جوانان شروع کنید که آنها بکار خیر شتابنده ترند و در نتیجه میتوانیم بگوئیم جوانان سرمایه واقعی مملکت و ذخایر گرانبهای یک ملت اند. مغزها و دستها و قلبهای آگنده از عواطف و احساسات جوانان است که مسیر حقیقی ملتی را تعیین می کند و راه سعادت را بروی آن جامعه میگذارد از اینرو جوانان متعلق بخودشان نیستند تا بهر راهی که بخواهند بیفتند جوانان سرمایه ملی مملکت اند و باید در راه خیر مملکت دور از غرور و نخوت جوانی و دور از هر گونه افراط و تفریط بآب و خاک و هم نوع خود کمک کنند و مایه شرف و استقلال مملکت گردند.

**انحطاط و سقوط جوانان** : اما با کمال تأسف باید گفت جوانان

امروزی بیش از هر وقت دیگر نسبت بنسلهای گذشته پرت افتاده اند رفتار و حرکاتی از آنها سر میزند که موجب وحشت و اضطراب واقعی است. بسرعت عجیبی روبهصیان و ترمدمیروند روزبروز بر تعداد مجرمین جوان افزوده میشود اخبار جرائم مملو از جرائم جوانان است. ممکن است بگوئید غیر از جوانان بسیاری از افراد سالمند هم بجنایات و بی‌عفتی‌ها و سرقتها و آدم کشیها دست میزنند بچه مناسبت شما این اندازه جرائم و جنایات جوانان را بزرگ جلوه میدهید؟ حقیقت اینست که از شکوفه‌ها و نهالهای نارس هیچکس جز لطافت و طراوت و صفا و خضرت انتظاری ندارد. از همین جهت است که از جوانان جز پاک‌ی و درستی انتظاری نیست و انحرافات آنان بیشتر از بزرگسالان جلوه مینماید و جلب توجه میکند. آدمی که سالها خود را بانحراف و پلیدی آلوده ساخته دیگر چه انتظاری بامانت و نجابت او میرود؟ ولی جوان در هر مرحله که باشد کوچکترین جنایتش مایه تأثر و تأسف است. خدا میداند انعکاس نابسامانی جوانان و اطفال در خانواده و جامعه چقدر عمیق است و از یک جرم کوچک این طبقه، چه طوفانی پیا می‌شود! و چگونگی اضطراب و نگرانی بقلب‌ها ریشه میدواند. هر کس در خانه فرزندی داشته باشد و او را بپرته نگاه مشاهده کند میداند احساس اضطراب و تشویش با جاننش چه میکند برای پدر و مادری که فرزندی را پرورده اند غصه‌ای بالاتر از آن نیست که ناظر سقوط و انحراف فرزندشان باشند.

### حالت بحرانی جوانان : هم اکنون وضع جوانان دنیا بجائی

منتهی شده که از مجموع گزارش‌های مربوط بحوادث جوانان باید يك حالت بحرانی را در وضع جوانان اعلام کرد. روز بروز بر ارقام

انتحارهائی که نشانه شکست جوانان در زندگی است افزوده میشود، گذشته از اشکالاتی که بر سر راه ادامه تحصیل در این مملکت وجود دارد بسیاری از جوانان داوطلب تحصیلات عالیہ قبل از رسیدن بمراحل دانشگاهی خود بخود شورش و شغف تحصیل را از دست میدهند. رفتار جوانان در محیط های دسته جمعی و ادوار و اطوار آنها در مراکز تفریح و تجمع از این بحران شدید بیشتر پریده بر میدارد. پدر و مادر از یکطرف و آموزگار و دبیر و استاد از طرف دیگر از انحراف و فساد اخلاق جوانان شکوه دارند. جرائد ما از اینگونه اخبار پراست شما هر روز در ستون حوادث روزنامه ها اخبار مر بوط بعصیان و طغیان جوانان را از نظر میگذرانید. انحراف و لجام گسیختگی و بی آزر می بجائی رسیده که نسل جوان ما را تهدید میکند. جوانان ما اولین درسی را که عملا از آموزشگاهها فرا میگیرند درس تقلب و نادرستی است عللی که آنها را برای تقلب در امتحانات تحریص میکند زیاد است که میتوان نداشتن معلومات کافی بر اثر تنبلی و پرسه زدن در خیابانها و اشتغال بکارهای خارج از مدرسه و نقصان اعتماد بنفس و عدم علاقه خانوادگی و رقابت های نامشروع در بدست آوردن بهترین نمره و امثال آنها را نام برد. وقتی تقلب در آموزشگاهها باب شد و جنبه عادی بخود گرفت معلوم است که دیگر جوانان دنبال تحصیل نمیروند و چون ناآزموده وارد اجتماع شدند مجبورند کارهای خود را از راه تقلب انجام دهند در اینجا یا اجتماع آنها را می پذیرد و همرنگ جامعه شده اند که وای بحال جامعه. و یا آنها را طرد و برکنار میکند آنوقت عواقب شوم تقلب کاری خود را می بینند گاهی چون در کار خود موفق نشده و

موقعیت درس خواندن را از دست داده و در تقلب هم محروم مانده است، دست بانتحار میزند و در صدد انتقام و تحذیر بر میآید .

دانش آموزی را می شناسم که پس از خروح از جلسه امتحان وقتی نتوانست با برگ تقلبی خود را ارضا کند مستقیماً بعرق فروشی رفت و باستادش پیغام داد که من از ناراحتی در يك نوبت سه بطر عرق خورده ام با اینحال اگر موفق بدریافت نمره قبولی نشوم شما را خواهم کشت . از این نمونه ها در اجتماع ما زیاد دیده میشود .

### مفاسد جوانان غرب : مفاسدی را که از جوانان این کشور

ملاحظه فرمودید گوشه ای از فساد و عصیان و نفرت جوانان اروپا و سراسر جهان است . باروشی که تمدن غرب پیش گرفته فساد و انحراف جوانان روز بروز در حال تضج و توسعه است عده ای از روانشناسان و متفکرین اجتماعی مایلند فساد جوانان را با سر پوشی از تعبیر های مختلف و متنوع فنی از قبیل « مبارزه دائمی نسل ها » یا « بحران جوانی » و « بحبوحه بلوغ یا شباب » همه را بحساب رشد انفعالی و هیجان عاطفی سنین جوانی بگذارند غافل از اینکه اضطراب و وحشتی که جوانان امروز در دنیا پیا کرده اند در هیچ عصری از اعصار سابقه نداشته است . درست است که در گذشته امکانات تخطی و عصیان از او امر قانون و خانواده تا این اندازه نبوده ولی هیچگاه روحیه جوانان هم تا این درجه رسوا کننده نبوده است يك آمار دقیق نشان میدهد که تعداد جوانان ۱۳ تا ۲۰ ساله ای که در سال ۱۹۶۰ در کشور فرانسه مهد تمدن و تربیت غرب مجرم شناخته شده اند از ۵ میلیون نفر متجاوز بوده است (۱) در سایر کشورهای مترقی

و شهرهای بزرگ مانند نیویورک، ورسو، لندن وضع بهتر از این نبوده است یکی از بهترین مر بیان فرانسه در گزارش سال ۱۹۶۱ خود نوشته است: «با اینکه متدهای جدید تربیتی را بکار می‌بریم معینا هیچگونه پیشرفتی حاصل نمیشود در حقیقت کار ما تبدیل بیک جور اداره کلاس شده است نه آموزش! موجب آمار صدی شصت از اطفال دائماً احساس بدبختی میکنند و باز جز بکار خود ادامه میدهند گویا مجبورند این تقدیر اجتماعی را تحمل نمایند والا هیچ کدامشان بارغبث درس نمی‌خوانند (۱) مجله «علم و زندگی» فرانسه صریحاً اعتراف میکند که سازمان همکاری ملی دانشجویان در جزوه مستدلی اعلام کرده است که از ۱۰۰۰۰۰ دانشجوی ۳۰۰۰۰ نفر مبتلی به بیماریهای روحی هستند و روانپزشکان ۱۰۰۰۰۰ نفر را در روزی را بچه خالزنگ نامیده اند (۲) یعنی زودرنج و بی اراده و غیر متفکر .

دردها : علت عمده این نابسامانیها را باید در تحول زندگی صنعتی و علمی یافت تحولی که روی راهورسم زندگی ما تأثیری بسزا نموده و گویا ما هنوز نتوانسته ایم خود را با آن تطبیق دهیم و یا بقول الکسیس کارل «شاید باید پرسید مبادا تضادی بین تربیت جسمی و پرورش روحی در کار است . . . . . بنظر میرسد که با گسستگی زره اخلاق هوش نیز تحلیل رفته و راه زوال می‌بوید . . . تقریباً در تمام کشورهای میزان حدت فکری و مایه اخلاقی نزد متصدیان امور سیاسی و تجارتری و صنعتی نقصان یافته است . . . . در مقابل تمام آرزوها و توقعاتی که انسانیت از تمدن جدید داشته این تمدن هنوز از عهده پرورش مردان

فکور و شجاع بر نیامد، است... مخصوصاً ضعف فکری و اخلاقی و جهالت زمامداران، آینده تمدن ما را بخطر تهدید میکند» (۱)

از این عبارات ضمن اینکه بالای عمومی انحراف تمدن جدید را از مسیر کمال انسانها در می یابیم با توجه بشدت وحدت استقلال طلبی جوانان ببحرانی که جوانان دنیا امروزه با آن مواجهند بخوبی میتوان پی برد و در نتیجه تمدنی این چنین آشوبگر، میتوان دانست که چـرا نسل جوان امروزی بسوی بی نظمی و آشوب فکری و عصیان میرود.

تمدن مادی پول رادر نظر جوانان ما مظهر استقلال معرفی کرده است توجه بقیافه و پزو تظاهرات جنتمنی و متجدد ما بر و آرایش سروصورت و لباس از مهمترین واجبات جوانان تلقی میشود تا بتوانند در نظر افراد مخالف و موافق جنس خود جلوه بیشتری داشته باشند. از طرفی باید قبول کرد که در هیچیک از ادوار زندگی بشر اینهمه اشکالات اجتماعی فراراه جوانان وجود نداشته است. در گذشته فاصله بین شکفتگی بلوغ و ازدواج بسیار کوتاه تر از امروز بود در صورتیکه در اوضاع و احوال تمدن امروز این فاصله خیلی زیاد شده است زیرا جوانان باین زودیهها نمیتوانند برای زندگی خانوادگی آماده شوند و مایحتاج مستقلی از خانه و اثاث البیت برای خود فراهم کنند بهمین دلیل با اینکه جوانان از نظر جسمی و بیولوژی مستعد ازدواجند ولی از نظر اصول حاکم اقتصادی و آداب و رسوم اجتماعی هنوز استعداد ازدواج را ندارند. در جهانی که رمانهای عفت سوز عشقی، و مطبوعات سراپا شهوت انگیز، و سینما و تئاتر مفتح! و آگهی های لخت و رنگین و آهنگهای دلنواز همه



و همه شور و عشق و هوس را در نهاد جوانان بر میانگیزد و جوانان را برای مقابله با تمام رسوم و اخلاقیات و سنن مقدس مذهبی و ملی و فطریات پاک بمبارزه و امیدارد ، چگونه میتوان از جوانان انتظار اخلاق و عفت و انضباط و اطاعت داشت؟ تمدن امروز از یک طرف بلوغ جوانان را بیشتر از هر وقت دیگر زودرس میکند ، از طرف دیگر با مشکلات اجتماعی و اقتصادی فراوان و شرایط سنگین زندگی راه ازدواج را بر جوانان می بندد و از اینرو بطور قطع میتوان گفت جوانان امروز دیرتر از هر وقت دیگر ازدواج میکنند و این خود یکی از محصولات تمدن غربی بشمار میرود. این مشکلات به نسبت پیشرفت تمدن ، عمیق تر و جدی تر جلوه میکند و لزوم اقدامی عاجل را برای نجات نسل جوان از ورطه هلاکت بیشتر تأیید و تأکید میکند .

**درمان:** از آنجا که جوانی حدفاصلی بین دو مرز کودکی گذشته و کمال آینده است برای پی بردن بروحیه جوانان شایسته است خصوصیات دوره کودکی و کمال را قبلاً بررسی کنیم تا از نتیجه آنها بتوانیم بمشکل جوانان پی ببریم و شاید بتوانیم مسئله را از لحاظ فکری حل کنیم باشد که جوانان مادر مقام عمل بدان گرایند .

**مظاهر کودکی :** ۱ - کودک کان در برابر چیزی که از دست

میدهند و یا علاقه بحفظ و نگهداری آن دارند بگریه و ناله متوسل میشوند .

۲- برای بدست آوردن شیء مورد نیاز خود از تملق و دوستی

استفاده میکنند نه از کوشش و تلاش

۳ - در برخورد با حوادثی که برای خود آنها یا یکی از نزدیکانشان

اتفاق افتد فرار میکنند و باستتار می پردازند یعنی در مواجهه با يك واقعیت تحمل مسؤولیت نمیکند و ادراك تحمل هم ندارند .

۴- تمایل شدید بتصاحب اموال دیگران و مخصوصاً اموال اختصاصی دارند و حق مالکیت طبیعی را محترم نمی‌شمارند .

۵- برای پنهان کردن میل بتصاحب اموال و فرار و استتار و حوادث اتفاقی از دروغ استفاده میکنند.

۶- در جامعه بین خود و دیگران مرزی قایل نیستند و بخود حق می‌دهند در کار دیگران دخالت کنند از اینرو کودک برای دیگران حدودی قایل نیست و حد خودش را هم در اعمال روزانه رعایت نمی‌کند و کارهای خود را با تعدی و تجاوز بدیگران انجام می‌دهد . در نظر او «من» یعنی هستی و هستی یعنی «من» شعار زندگی کودک در اعمال و رفتار و اندیشه های او خود خواهی است . برای نمونه بهنگام نشستن هر طوز که بخواهد می‌نشیند اگر پشتش بدیگران بود ناراحت نمی‌شود وقتی جای خالی پیدا کرد فوراً همانجا را اشغال می‌کند برای خوردن از جلوی دیگران یا غذای مخصوص دیگران استفاده می‌کند و مفهوم تجاوز بحق دیگران هنوز برایش روشن نیست اگر بخانه یکی از دوستان و اقوامش رفت هر چه از اسباب بازیهای او را دوست داشت برای خود جمع آوری می‌کند و در لباس و کیف خود یا همراهانش پنهان می‌کند اگر جریان کارش معلوم شود با گریه و زاری و پای کوبی بمقاومت می‌پردازد در بعضی اوقات مانند آدمهای مست خود را روی زمین پرت می‌کند و جیغ می‌کشد اگر پیش آمد سوئی در خلال بازی برای یکی از رفقای با زیـش

اتفاق افتد فوراً مخفی میشود اگر از او پرسند می گوید «نمی دانم» یا «تقصیر دیگری است». رفیقش را وقتی دیگران بدگوئی کنند هر چند واقعاً هم بدی نداشته باشد او تأیید می کند و بد می گوید و برای اینکه تنها خودش را خوب و مورد پسند بسازد از بدگوئی و نکوهش او فروگذار نمی کند و .... بنابراین این می توانیم بگوئیم کودک .:

۱- خود خواه است ۲- دنیای او نامحدود است ۳- در عالم خودش برای دیگران ارزش و احترامی قائل نیست ۴- در مقابل حوادث ترسو و کم تحمل است ۵- برای رسیدن بمقاصد خویش بگریه و تملق و کوبیدن دیگران متوسل میشود ۶- در برابر حفظ منافع خویش پدر و مادر را تحریک میکند ولی کاری از خود انجام نمیدهد

بقیه در شماره بعد انشاء الله

## عرب و پادشاه ت فریخی

زات جامع علوم انسانی

قال بعض الخلفاء لاعرابی ما تشتهی ؟ فقال .

العافیة و الخمول ، فانی را بیت الشرائی ذوی النباهة سر یعا  
فقال الخلیفه واللہ لو انی سمعت هذا الکلام قبل تولی الخلافة  
لها تولیتها (کشکول)

پادشاهی از عربی سؤال کرد چه میل داری ؟ عرب: سلامت و عافیت و گوشه گیری. زیرا بسرعت دیدم که شروبدی بطرف صاحبان فضیلت و بزرگی پیش می رود . پادشاه. بخدا قسم اگر این کلام را قبل از زمام سلطنت شنیده بودم هرگز آنرا قبول نمی کردم .